

## نقش آیین‌های محلی در جذب توریسم و توسعه گردشگری ( مطالعه موردی: آیین نوروزخوانی در مازندران )

مرجانہ نادری گرزالدینی

مدرس دانشکده فنی و حرفه ای الزهرا بابل

Naderi.marjan43@yahoo.com

### چکیده

امروزه در بسیاری از کشورهای دنیا استفاده از الگوهای جدید در معرفی میراث فرهنگی و ایجاد زمینه های جذب گردشگران از سراسر جهان، نه تنها مایه هایی از غرور ملی را برای آن‌ها ایجاد نموده بلکه موجب رونق اقتصادی و گسترش صنعت توریسم در کشورشان گشته است. از این رو، بررسی و شناخت جشن ها و آیین های کهن، راه موثری در حفظ میراث فرهنگی کشور محسوب شده و زمینه های مناسبی را برای جذب گردشگر فراهم می آورد. نوروز خوانی یکی از آیین های کهن مازندران است که از نیمه دوم اسفند ماه تا قبل از حلول سال نو اجرا می شود در این مراسم نوروزخوان با خواندن اشعاری زیبا به وصف بهار، ستایش پروردگار، رسول و ائمه پرداخته و پس از اتمام مراسم از صاحب خانه پاداش دریافت می کند. هدف از پژوهش حاضر، شناسایی منشأ و خاستگاه آیین نوروز خوانی و بررسی قابلیت های فرهنگی- تاریخی آن در جذب توریسم و توسعه گردشگری است. روش تجزیه و تحلیل داده های این مقاله توصیفی- تحلیلی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات آن کتابخانه ای می باشد. نتایج بیانگر آن است که مضامین ظریف و زیبای اشعار نوروز خوانی همواره احساسی از شادمانی را برای مردم به ارمغان آورده و نیز ماهیت توصیفی- نمایشی آن زمینه های مناسبی را برای جذب گردشگر ایجاد می نماید.

**واژگان کلیدی:** گردشگری، نوروز خوانی، موسیقی مازندرانی، مراسم آیینی، نوروز

### ۱- مقدمه

ایرانیان مانند همه ملل باستانی از جشن ها و آیین های بسیاری بهره می برند. در هر جامعه ای برگزاری جشن ها بر پایه محاسبه های گاهشماری آن جامعه استوار است. گاهشماری ایران پیش از اسلام به گونه ای تنظیم شده بود که هر روز دارای نامی خاص و نام هر یک از دوازده ماه سال نیز، هم نام با یکی از روزهای ماه بود. چنانچه در هر ماه، نام روز با نام آن ماه یکی می شد آن روز را جشن می گرفتند. اگر چه امروزه بسیاری از این جشن ها به دست فراموشی سپرده شده؛ ولی هنوز هم برخی از آنها رایج می باشند. در کشور ما یکی از مهم ترین جشن های ملی و باستانی جشن نوروز است که دارای آن چنان نفوذ و تأثیری در میان ایرانیان بوده که هنوز هم نزد آنان نسبت به همه جشن های دینی، آیینی، تقویمی و... از ارجحیت آشکار و غیر قابل مقایسه ای برخوردار می باشد. این جشن به عنوان عیدی، بزرگ در هر منطقه با توجه به فرهنگ بومی آن با آداب و مراسم مخصوصی برگزار می گردد. از جمله این گونه مراسم، سنت باستانی نوروز خوانی است. این آیین یکی از کهن ترین مناسک نوروزی در مازندران محسوب می شود که زمان اجرای آن پیش از آغاز سال نو است. در این مراسم، نوروزخوان با خواندن سرودهای خاص، آمدن بهار را به مردم نوید داده و انعام دریافت می کند. نوروز خوانی از نظر مضمون، بخشی از موسیقی آیینی مازندران به شمار

می‌آید. دقت در نغمه‌ها، اشعار، آداب و دیگر موضوعات مربوط به نوروز خوانی حاکی از آن است که جشن نوروز در طول قرون گذشته با آیین‌ها، نمایش‌ها و مناسک خاصی همراه بوده و هر کدام از این گونه آیین‌ها نقش درخوری در تعمیق فرهنگ ملی ایفا نموده‌اند (نصری اشرفی، ۱۳۸۵: ۱۵).

مجموعه سنت‌ها و مراسم نوروزی بخش عظیمی از میراث فرهنگی کشورمان را تشکیل می‌دهد. این مراسم به دلیل قابلیت‌های اجتماعی عید نوروز و اهمیت تاریخی و فرهنگی آن همواره در بین جوامع مختلف از جذابیت بالایی برخوردار بوده و عامل مهمی در جذب گردشگران داخلی و خارجی محسوب می‌گردد.

### ۱-۱- اهداف پژوهش

هدف از این پژوهش، بررسی و شناخت ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی آیین نوروزخوانی مازندران و نقش آن در توسعه گردشگری می‌باشد.

### ۱-۲- سئوالات پژوهش

۱- ساختار اشعار در نوروز خوانی‌های مازندران چگونه است؟

۲- نوروزخوانی‌های مازندران چه مضامینی دارند؟

### ۱-۳- فرضیه‌های پژوهش

۱- به نظر می‌رسد بخشی از اشعار، از فرم و قالبی عروضی برخوردارند و بخشی دیگر، مبتنی بر بداهه سرایی و بداهه خوانی بوده و با هیچ یک از قالب‌ها و سبک‌های شناخته شده شعر فارسی منطبق نمی‌باشند.

۲- عمده‌ترین مضامین نوروزخوانی‌های این منطقه، ستایش خداوند، وصف بهار، رثای پیامبران و ائمه و نیز بیان وقایع مذهبی و روایات اساطیری می‌باشد.

## ۲- گردشگری

از نظر کارشناسان مسائل اقتصادی، گردشگری یکی از مهمترین محرک‌های اقتصادی در سطح بین‌المللی محسوب می‌شود. با توجه به اینکه گردشگری منبع درآمد ارزی قابل ملاحظه‌ای را در اختیار اقتصاد یک کشور قرار می‌دهد، باعث شده است که مفهوم بسیار گسترده‌ای در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیدا نموده و به عنوان یک صنعت تلقی گردد. بسیاری از کارشناسان، صنعت گردشگری را رکن اصلی توسعه پایدار قلمداد می‌کنند.

امروزه صنعت عظیم توریسم جایگاه خاصی در اقتصاد کشورها دارد و نقش فعال و مؤثری در ارتقاء ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها، به خصوص در کشورهای روبه توسعه ایفا می‌کند. در این میان، ایران با وجود جاذبه‌های فراوان طبیعی، فرهنگی و تاریخی هنوز نتوانسته جایگاه خود را به عنوان یک کشور پذیرنده گردشگر در بازار جهانی صنعت توریسم بیابد. بنابراین می‌بایست با شناسایی حساب شده توانایی‌ها و پتانسیل‌های توریستی در نواحی مختلف کشور، اقدامات و برنامه‌های مفیدی جهت استفاده بهینه از این پتانسیل‌ها و همچنین توسعه و گسترش اثرات مثبت توریسم در این نواحی صورت گیرد (معصومی، ۱۳۸۴: ۱۳). توجه و آگاهی نسبت به داشته‌های فرهنگی و تاریخی به عنوان ثروت‌های ملی، علاوه بر ارزش‌های خاص، از جنبه‌های اقتصادی به عنوان دستمایه‌های مهم گسترش صنعت توریسم نیز قابل استفاده هستند.

### ۳- رده بندی جشن‌ها

جشن‌ها و آیین‌ها را در ایران می‌توان به پنج دسته تقسیم بندی کرد که عبارتند از:

۱- جشن‌ها و آیین‌های باستانی، اسطوره‌ای و فصلی؛

۲- جشن‌ها و آیین‌های دینی و مذهبی؛

۳- جشن‌ها و آیین‌های ملی، میهنی و حکومتی؛

۴- جشن ها و آیین های خانوادگی؛

۵- جشن ها و آیین های منطقه ای که در همه شهرها برگزار نمی شود و ویژه یک شهر یا یک روستا است و از نظر موضوعی در رده بندی ۳ و ۲ جای دارد. جشن ها و آیین های محلی و منطقه ای در بسیاری از شهرها و آبادی ها، به مناسبت ها و انگیزه هایی چون درو، برداشت خرمن و یا رویدادهای دینی و ... برگزار می گردد که ویژه منطقه و محلی معین است و معمولاً در شهرها و مناطق دیگر مشاهده نمی شود (روح الامینی، ۱۳۷۸ : ۱۸-۱۵). برخی از جشن های کهن را نمی توان تنها در زمره یکی از گروه های یاد شده به شمار آورد؛ مانند نوروز که از یک سو جشن باستانی، اسطوره ای و فصلی است و از سوی دیگر با برگزاری آیین های دینی همراه است و همچنین برای دولت ها و حکومت ها جشنی رسمی محسوب می گردد.

#### ۴- پیدایش جشن نوروز

بسیاری از شاعران و نویسندگان قرون گذشته پیدایش نوروز را به دوران پادشاهی «جمشید» نسبت داده اند که تنها به چند نمونه اشاره می گردد. فردوسی در حماسه بزرگ «شاهنامه» پیدایش نوروز را مقارن با شروع سلطنت و پادشاهی «جمشید» می داند:

جهان انجمن شد بر تخت اوی	از آن بر شده فره بخت اوی
به جمشید بر گوهر افشانند	مر آن روز را روز نو خوانند
سر سال نو هرمز فرودین	بر آسوده از رنج تن، دل ز کین
به نوروز نو شاه گیتی فروز	بر آن تخت بنشست فیروز روز
بزرگان به شادی بیاراستند	می ورود و رامشگران خواستند

محمد جریر طبری درباره پیدایش نوروز چنین گفته است: «جمشید علما را فرمود در آن روز که من بنشستم به مظالم، شما نزد من باشید تا هر چه در او داد و عدل باشد بنمایید، تا من آن کنم و آن روز که به مظالم نشست روز هرمز بود از ماه فرودین. پس آن روز رسم کردند» (طبری، ۱۳۵۲: ۲۱).

ابوریحان بیرونی در «آثار الباقیه» درباره پیدایش نوروز چنین می گوید: «چون جمشید برای خود گردونه ساخت، در این روز بر آن سوار شد و جن و شیاطین او را در هوا حمل کردند و به یک روز از کوه دماوند به بابل آمد و مردم برای دیدن این امر در شگفت شدند و این روز را عید گرفته برای یادبود آن روز در تاب می نشینند و تاب می خورند» (بیرونی، ۱۳۶۳: ۳۲۷). بر طبق گاهشماری ایرانیان با اولین روز بهار، سال ایرانی آغاز می گردد. نوروز، اول فروردین، به عنوان روز سالگرد آفرینش تلقی شده و روزی است که تجدید حیات در آن روز انجام خواهد گرفت؛ اما در ماورای این ارزش جهان شناسی، جشن نوروز از ارزش سیاسی نیز برخوردار است؛ زیرا نشان دهنده مرحله اساطیری استقرار پادشاهی ایرانی است، به عبارت دیگر در نوروز، جمشید، به آسمان صعود می کند و از آن جا عنوان شاهی را به همراه می آورد (موله، ۱۳۷۷: ۹۵). به همین دلیل ایرانیان در این روز جشنی بزرگ به پا می کردند و به شادی و نیایش آفریدگار می پرداختند. جشن سالانه نوروز چندین روز ادامه داشت و معمولاً از چند روز مانده به نوروز مراسم و آیین های ویژه آن آغاز می گردید که با شادی و نیایش همراه بود. ستایش نوروز در آغاز سال نو و بهارخوانی ها نمونه هایی از آن است که همچنان در برخی از مناطق از جمله مازندران رایج است.

#### ۵- نوروزخوانی

آن چه از شواهد و آثار به جا مانده بر می آید، نوروزخوانی ریشه ای کهن و قدمت دیرینه ای به اندازه نوروز دارد. در روزگاران پیشین، نوروز جشن کاملاً مردمی بود و هزینه آن را مردم می پرداختند به همین سبب افرادی با خواندن آواز، آغاز نوروز را به اطلاع مردم می رساندند و هدایا دریافت می کردند. برگزاری این جشن ها چنان بود که از چند روز مانده به نوروز

کوسان های شاهي با « علم عيد» در شهر مي گشتند و فرارسيدن نوروز را با موسيقي به آگاهي مردم رسانده و هزينه عيد را از آن ها مي گرفتند ( يوسفي، ۱۳۹۰ : ۲۵). همه اقشار مردم اعم از دامداران، کشاورزان و پيشه‌وران با شنيدن صدای نوروز خوانان، احساس شادی و خوشحالی مي کردند.

در واقع نوروزخوان نمادی از میمنت، خیر، برکت، سرور، رفاه، آسایش و فراوانی بوده است. از این رو ایشان نزد مردم از جایگاه و منزلت ویژه ای برخوردار بوده و پیوسته با آغوشی گشاده و تبسم و مهربانی مورد استقبال بوده اند ( نصری اشرفی، ۱۳۸۵ : ۲۳).

در روستای کندلوس از توابع کجور یک ماه قبل از عيد، چوپانان و گالش‌ها، شب هنگام به در خانه ها مي روند و آمدن بهار را مژده مي دهند. رسيدن بهار به معنی زنده شدن دوباره طبيعت و رها شدن از سختی های زمستان. چوپانان و گالش‌ها زنگوله ای به دست مي گیرند و با تکان دادن و ایجاد سر و صدای بسیار وارد دهکده مي شوند و مقابل خانه‌ها با آهنگ مخصوص، اشعاری که به مناسبت فرارسيدن عيد نوروز سروده شده، مي خوانند و از صاحب خانه مژدگانی دریافت مي کنند ( يوسفي، ۱۳۹۰ : ۲۵).

نوروزخوان به همراه خود یک فانوس، یک چوب دستی و برگ سبز دارد. برگ سبز سمبل برکت و زایش زمین، چوب دستی برای تکیه دادن و دفاع از خود در برابر سگ های نگهبان خانه ها و گله ها است. از آن جا که نوروز خوانان در بیشتر نقاط کار خود را با شروع سپیده آغاز نموده و هنگام غروب خاتمه مي دهند، فانوس وسیله ای جدی در پیشبرد کار آنان می باشد ( نصری اشرفی، ۱۳۸۵ : ۴۳). زمانی که نوروزخوان اشعارش را به پایان می رساند، صاحب خانه تحفه ای به وی داده و از او شاخه شمشادی دریافت می کند و آن را در خزانه برنج می‌کارد؛ زیرا آن‌ها اعتقاد دارند که بر پایه این آیین، سبزینه ها سبز و خزانه بارورتر خواهد شد. ( تصاویر ۱ و ۲)



تصویر ۱- گروه نوروزخوانان در حال اجرای نوروزخوانی



تصویر ۲- نوروزخوان در حال دریافت عیدی از صاحب خانه

#### ۱-۵- مضمون در نوروزخوانی

مطلع نوروزخوانی با سلام بهاری و ستایش خداوند آغاز می شود. سلام و بشارت به صاحبان منازل و خانه ها، تبریکات نوروزی، شکوفایی بهار و اعلام نوشدن جهان و نیز دعاهایی که طلب خیر و نیکبختی را به همراه دارد. اصلی ترین مفاهیم، بخش آغازین نوروزخوانی هاست. در این قسمت تلاش نوروزخوان معطوف به این نکته است تا با ایجاد حس همدلی در مخاطب و ایجاد گوش شنوا، زمینه را جهت ورود به موضوعات بعدی آماده نماید. از همین رو بیشتر تاکید و تکیه نوروزخوان بر این اصل است که نوروز در درجه اول، زمان کنار نهادن کدورت ها و دشمنی‌ها، مساعدت و مدارا و شادمانی و سرور است.

#### ۲-۵- نمونه ای از مطلع نوروزخوانی

ترجمه

نو بهار نو رسیده است  
گل شکفت و رایحه پراکند  
بابا نوروز خوان آمده است  
با چویدستی که دارد  
نو بهار مبارک باشد  
لاله زار مبارک باشد

متن شعر

نوبهارِ نو بَموئِه  
گل بِشکفته ببو بَموئِه  
نوروزِ خون ببو بَموئِه  
با دستِ دَسچو بَموئِه  
نوبهارِ مبارک بوئِه  
لاله زارِ مبارک بوئِه

معمولاً قسمت آغازین نوروزخوانی به اختصار برگزار می گردد و نوروزخوان بلافاصله مدح انبیاء، اولیا و امامان را آغاز می کند. لازم به ذکر است بیشتر اشعار در این بخش از نوروزخوانی به زبان فارسی است. مهم ترین رکن مدح و منقبت در نوروزخوانی، علاوه بر توجه نوروزخوانان به جوهره دینی و مذهبی، جنبه های تعلیمی این گونه مراسم است که غالباً با روایات و احادیث اسلامی انطباق یافته است.

توضیح سیره پیامبران و اولیاء نام بردن از یکایک امامان و خصوصیات شناخته شده آنان و خاصه تأکید بر زهد، علم، شجاعت، کمال و مردم داری آنان از یک سو اشاعه دهنده آگاهی های دینی و مذهبی و از سوی دیگر تعمیق معارفی است که از سوی این گونه خنیاگران نوروزی الهام بخش مخاطبین بوده است. در زیر به نمونه ای از آن اشاره می شود:

همان دین محمد برقراره	علی در خدمت پروردگاره
بخوانم من امام اولین را	شه کشور امیرالمومنین را
همان دین محمد برقراره	علی در خدمت پروردگاره
امام دو بخوانم من حسن را	زبان بگشای که گویم این سخن را
همان دین محمد برقراره	علی در خدمت پروردگاره

پس از پایان یافتن مدح و منقبت، نوروزخوان ها، داستان ها و روایات پراکنده ای را درباره برخی موضوعات اساطیری و البته عموماً با جان مایه دینی و مذهبی آغاز نموده و همچنین از این طریق به انتشار بخشی از دانش شفاهی در زمینه تاریخ و قصه های کهن و یا حوادث تاریخی می پرداختند.

ترجمه

باد بهاران آمد  
گل در گلستان آمد  
مژده دهید ای دوستان  
نوروز سلطان آمد  
حضرت آدم روانه شد  
آوارگی نصیب او شد  
او از کرده خود پشیمان بود  
به میان صحرا رفت  
گفت ای خدای مهربان  
من از کرده خود پشیمانم  
باد بهاران آمد  
گل در گلستان آمد  
مژده دهید ای دوستان  
نوروز سلطان آمد

متن شعر

باد بهارون آمد  
گل در گلستون آمد  
مژده دهید دوستون  
نوروز سلطون آمد  
آدم بهییه روونه  
بهییه وه آواره  
وه بهییه پشیمون  
بورده صحرای میون  
با ته خدای مهربون  
من هستمه پشیمون  
باد بهارون آمد  
گل در گلستون آمد  
مژده دهید دوستون  
نوروز سلطون آمد

قصه ای که توسط نوروزخوان عرضه می گردید عموماً به طور خلاصه بیان شده و بازتاب کلی سرگذشت برخی پیامبران چون حضرت نوح، قصه آدم و حوّا، رشادت ها و معجزات خدادادی پیامبران و امامان و برخی غلوها و افسانه های برساخته درباره اولیا و به ویژه حضرت علی علیه السلام بوده است؛ به طور نمونه نبرد حضرت علی با اژدها و آن هم هنگامی که حضرت علی طفلی بیش نبوده و پیروزی قاطعانه بر این جانور از نمونه‌های آن است:

متن شعر	ترجمه
آسمون دَیّه ستاره	آسمان پر از ستاره بود
پر از نقش و نگاره	آسمانی پر از نقش و نگار
علی جون دَیّه گهواره	حضرت علی (ع) در گهواره بود
اژدر بَیموئِ مَله	اژدها به آبادی آمد
وچه خارده باگره	بچه ها را با گهواره می خورد
علی جون از گره بَمو بِنه	علی (ع) از گهواره فرود آمد
اژدر ره هاگردِه پاره	اژدها را پاره پاره کرد
یا صاحب ذوالفقار	یا صاحب ذوالفقار
صاحب خَینه را نگه دار	صاحب خانه را نگه دار

باید متذکر شد که این گونه روایات بر اساس سنت های شفاهی و جوهره بداهه سرایی پیوسته با تغییراتی همراه بوده و به همین دلیل برخی ابیات حتی در روایت های مختلف یک نوروزخوانی متفاوت بوده اند.

### ۳-۵- داستان پردازی در نوروزخوانی

به جز اشعار توصیفی و رثایی، داستان های اساطیری و دینی نیز در مضامین اشعار نوروزخوانی وجود دارد. این موضوع از یک سو بیانگر نقش و اهمیت قصه پردازی در جلب توجه اذهان عمومی در هر شرایط و موقعیتی است و از دیگر سو، مبین آگاهی شعرخوانان و نوروزخوانان از تأثیر این گروه از نقل ها در مجذوب ساختن مخاطبان و در نتیجه معطوف نمودن احساس و ادراک آن ها به موضوعات اصلی است. ( همان: ۷۵-۷۲).

### ۶- موسیقی مازندرانی

موسیقی با تمامیت زندگی روستایی درآمیخته است و آهنگ های دل نشین و گیرا به یاری سرودها می آیند تا آرمان ها و رسوم و مناسبات اجتماعی را بازگو کنند. ( جمالی، ۱۳۹۲: ۲۹۲).

در اشعار و ملودی های مازندران خصیصه های اقلیمی و طبیعی منطقه به وضوح دیده می شود و عناصر زنده و ملموس طبیعت نمود دارد. اغلب اوقات، سرایندگان این اشعار، هنرمندان عام هستند که در میان توده مردم زندگی می کنند. این هنرمندان به تناسب حال، بداهه سرایی می کنند، شهر می سرایند و ترانه هایی نیز می خوانند. موسیقی و ترانه های بومی مازندران از گذشته تا حال هم چنان دارای طرفداران بسیار است؛ زیرا از لطافت و زیبایی برخوردار می باشد. شاید، شعر به مفهوم محافل ادبی امروز در آن مطرح نباشد؛ اما مفهوم آن در زندگی مردم این دیار، حضور دارد. برخی از مضامین اشعار، بیانگر آداب و سنن مردم هستند و برخی دیگر، سخن از پند و اندرز می دهند. همچنین بعضی از اشعار از عشق و دلدادگی سخن می گویند.

از پیشینه موسیقی و ترانه سرایی در مازندران کم و بیش اطلاعی به دست آمده است که سابقه اش به دوره باستان یعنی قبل از ورود اسلام به ایران می رسد. چنانچه در شاهنامه از گوسانی ( خنیاگر، شاعر نوازنده) مازندرانی یاد می شود که نوای گرم او کیکاوس را بر آن می دارد که در رسیدن به آرزوهای دیرینه خود یعنی گشودن مازندران تجهیز شود و لشکر آراید.

چو کاووس بشنید از او این سخن  
 یکی تازه اندیشه افکند بن  
 دل رزمجوش بیست اندر آن  
 که لشکر کشد سوی مازندران  
 (یزدان پناه، ۱۳۸۲: ۷۲)

به این ترتیب وجود شعر به گویش محلی مازندرانی به روایت شاهنامه فردوسی، حتی در دوره پیش از ساسانیان مسلم است.

### ۱-۶- انواع موسیقی مازندرانی

به طور کلی موسیقی مازندران به سه گونه تغزلی، آیینی و حماسی تقسیم می شود.

۱-۱-۶- موسیقی تغزلی: موسیقی کتولی، امیری و صنم از جمله آوازهای تغزلی این منطقه اند که هر یک وصف حال عاشق و معشوق و دلدادگی است. در بخش تغزلی موسیقی آوازی مازندران عشق به طبیعت، دام و زمین نیز وجود دارد (مرزبند، ۱۳۸۹: ۱۷۷).

۱-۱-۱-۶- کتولی: از جمله آوازهای سنتی این مرز و بوم است که در میان مردم این سامان سینه به سینه تداوم یافته است. کتول نام شهری است در شرق مازندران به نام علی آباد کتول، برخی معتقدند که این آواز مربوط به این منطقه است که به هنگام فعالیت های کشاورزی و چوپانی خوانده می شود. این آواز در دستگاه شور و مایه دشتی است (کبیری، ۱۳۸۰: ۵۸).

۱-۱-۲-۶- امیری: این آواز که در زمان قدیم، طوری یا تبری نامیده می شده است در ارتباط با نام مازندران است. این آواز، آهنگ جاودانه دیگری است که در حقیقت، معرف اشعار آوازی مازندران است و بیشتر مردم این منطقه به ویژه کشاورزان، گالش ها و چوپان ها، دشواری کار در مزرعه، دشت و زحمت نگهبانی از گله و دام ها را با خواندن و یا نواختن آن، تحمل پذیر می کنند و به شب نشینی های زمستانی شان رونق می بخشند. (همان: ۶۰)

۱-۱-۳-۶- صنم: از یگر آوازهای تغزلی مازندرانی است که بیانگر تفکرات و باورهای جدیدتر اجتماعی است. تصنیف ها نیز از بخش های دیگر موسیقی آوازی مازندران می باشد از جمله آن تصنیف معروف طالبا است (مرزبند، ۱۳۸۹: ۱۷۸).

۱-۱-۴-۶- طالبا: اشعار طالبا منسوب به خواهر طالب آملی (ستی النساء بیگم) می باشد و قدمتش به دوره صفوی می رسد. در منظومه طالبا از ناکامی عشق طالب و زهره و از جدایی طالب و مهاجرت او به هندوستان گفتگو می شود؛ لذا بعضی از سرودهای طالبا را منسوب به معشوق زهره و بعضی دیگر را به خواهرش ستی النساء بیگم انتساب می دهند (نجف زاده بارفروش، ۱۳۷۵: ۱۱۸).

### ۲-۱-۶- موسیقی آیینی:

موسیقی آیینی شامل: "نوروزخوانی"، "چاوش خوانی" و "موری" است.

۱-۲-۱-۶- نوروز خوانی: هنگام نزدیک شدن سال نو خوانده می شود. از نیمه دوم اسفند ماه عده ای در خیابان های شهر و روستا دوره می افتند به این افراد نوروزخوان می گویند. فرد نوروزخوان بعد از حمد و ستایش خدا و رسول و ائمه اطهار به وصف اعضای خانواده می پردازد و تقاضای انعام و عیدی میکند (دهاز، ۱۳۷۰: ۲۵). بخش عمده آواز نوروزخوانی توسط «سرخوان» که خواننده اصلی است اجرا می شود و دیگران او را در برگردان ها هم راهی می کنند (ملکی، ۴۱ ° ۱۳۴۰: ۳۵). موسیقی نوروزخوانی برگرفته از نغمه های ساده هستند. این نغمه ها به آواز دشتی و ابوعطا شباهت دارد.

۲-۱-۲-۶- چاوش خوانی: آوازهای زیارتی اند. کلام این آوازهای غیربومی که اکنون تقریباً از رواج افتاده اند، اشعار مذهبی فارسی بوده که توسط چاوشی خوان ها در سفرهای زیارتی اجرا می شده است (فاطمی، ۱۳۸۱: ۲۸). ملودی چاوشی خوانی در دستگاه های سه گاه و شور اجرا می شود.

۳-۲-۱-۶- موری‌ها: موری آوازهای عزاداری هستند که توسط نزدیکان متوفی بداهه سرایی و خوانده می‌شود. موری به معنای شیون و زاری است. این آواز از نظر محتوا بسیار حزن انگیز است.

### ۳-۱-۶- موسیقی حماسی

موسیقی حماسی مازندران از نظر تاریخی و با توجه به قرن‌ها درگیری و منازعه با طوایف آسیای میانه و نیز آمیزش آن با موسیقی اقوام هم‌جوار و یا ساکن در منطقه، شکل‌های متفاوت و متعددی دارد. اصیل‌ترین و قدیمی‌ترین موسیقی حماسی این منطقه مربوط به مردمان تبری زبان ساکن در کوهستان‌ها و کوهپایه‌ها بوده، در دو بخش سازی و آوازی چه از نظر ساختار نغمه و چه از حیث محتوا و مضمون، دارای ارزش‌های غنی و دست‌نخورده است. یکی بودن کوهستان‌های مرکزی، دور بودن منطقه و نداشتن هم‌آوازی با سایر اقوام، موجب ادامه حیات و تثبیت تعداد قابل‌توجهی از نغمه‌های حماسی مربوط به ساز «سُرنا» شده است. از این رو، هنوز می‌توان شاهد قطعاتی بود که با الهام از رزم‌ها، حماسه‌ها، حرکات موزون نمایشی، کشتی و ورزش‌های محلی، حماسه و داستان‌های مربوط به خود را دارند و بازگوکننده گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی مردم منطقه هستند. به عنوان نمونه در مبارزه پهلوانی کشتی «لوچو» از آغاز تا پایان مبارزه، قطعاتی توسط «سُرنا» و «نقاره» اجرا می‌شود که مفاهیم شروع مسابقه، پیروزی، شکست و پایان آن است (مرزبند، ۱۳۸۹: ۱۷۹).

### ۷- نتیجه‌گیری

برگزاری جشن و عید از ویژگی‌های فرهنگی همه‌جوامع است، از دوران کهن، بسیاری از جشن‌ها همراه با اسطوره‌ها و افسانه‌هایی درباره پیدایش آن‌ها، بر جای مانده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها جشن نوروز است. ستایش نوروز در آغاز سال نو یا نوروز خوانی قدمت دیرینه‌ای به اندازه نوروز داشته و در بسیاری از مناطق ایران مرسوم می‌باشد. با توجه به مطالعات صورت گرفته پیرامون نوروزخوانی در مازندران ویژگی‌های این آیین را می‌توان بدین شرح خلاصه نمود:

- در مازندران نوروزخوان با عناوینی چون نوروزخون، امام خون و بهارخون شناخته شده و عنوان‌های نوروزخونی، بهارخونی و امام خونی از اسامی مختلف و معمول جهت نامیدن مراسم نوروزخوانی است. بر این اساس عنوان مراسم نیز به بهارخونی، نوروزخونی و امام خونی مشهور است.

- زمان برگزاری نوروزخوانی غالباً از نیمه دوم اسفند ماه آغاز گردیده تا حلول سال نو ادامه می‌یابد.

- این نوع موسیقی از نظر مضمون، بخشی از موسیقی آیینی مازندران به شمار می‌آید.

- اشعار در نوروزخوانی‌های مازندران همواره ترتیب خاصی را دنبال می‌نماید. این اشعار ابتدا و به صورت عام، به اختصار مدح و ستایش پروردگار و توصیف بهار بوده و سپس به اوصاف دوازده امام می‌پردازد. این بخش از اشعار غالباً در ادامه خود به بیان سرگذشت و وصف برخی کرامات و معجزات پیامبرانی همچون حضرت یوسف، موسی و ابراهیم (علیه السلام) پرداخته و آن‌گاه با تکریم و مدح صاحبان مشاغل و منازل خاتمه می‌یابد.

- بیان اساطیری برخی از حوادث و رویدادهای دینی- مذهبی و تاریخی از دیگر ویژگی‌های نوروزخوانی‌های مازندران است.

- بخشی از اشعار نوروزخوانی‌ها از فرم و قالبی عروضی برخوردارند و بخشی دیگر عمدتاً مبتنی بر بداهه سرایی و بداهه خوانی است.

- موسیقی آوازی از ارکان اصلی نوروزخوانی بوده و اشعار در این مراسم همواره با موسیقی و لحن ویژه‌ای به اجرا در می‌آید.

- زبان در اشعار نوروزخوانی‌های منطقه ترکیبی از گویش تبری و فارسی می‌باشد.

- نغمگی نوروزخوانی‌های مازندران تلفیقی از موسیقی بومی و ملی است.



- نوروزخوانی‌های این منطقه در نواحی مختلف استان در دستگاه‌های متفاوتی همچون دوگاه، چهارگاه، بیات ترک، شور و دشتی اجرا می‌شود.

- نوروزخوانان مازندران طی اشعاری بداهه خود را معرفی نموده و با عنوان نمودن نام و نشان خود و «پی‌خوان» و نام بردن از محل تولد، شغل و میزان دارایی و امکانات خود شأن و جایگاهش را یادآور می‌شود. این کار تمهیدی جهت دریافت انعام بیشتر است.

- نوروزخوانی در مازندران همواره توسط دو نفر اجرا می‌گردد که یکی «سرخوان» و دیگری «پی‌خوان» نام دارد.  
- پایان بخش اشعار و مضامین نوروزخوانی‌ها دعای خیر جهت یکایک افراد خانه و آرزوی سالی سرشار از برکت و فراوانی و نیز آرزوی نیک‌بختی برای آن‌هاست.

- درخواست انعام در بخش پایانی اشعار به معنی پایان یافتن کار نوروزخوان تلقی گردیده و نوروزخوان خود را جهت ترک منزل و عزیمت به خانه‌ای دیگر آماده می‌سازد.

## مراجع

- ۱- بیرونی، ابوریحان، (۱۳۶۳)، «آثار الباقیه» ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران: انتشارات، امیرکبیر.
- ۲- جمالی، سمانه سادات، (۱۳۹۲)، «کارآواهای مازندران یا ترانه‌های کار»، مجموعه مقاله‌های نخستین همایش ملی هنر تبرستان، چاپ اول، انتشارات، موسسه آموزش عالی مارلیک.
- ۳- دهاز، بابک، (۱۳۷۰)، «عید نوروز در شمال ایران»، مجله ایران شناسی، شماره ۳ و ۴، اسفندماه.
- ۴- روح الامینی، محمود، (۱۳۷۸)، «آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز»، چاپ اول، تهران: انتشارات، آگاه.
- ۵- طبری، محمدبن جریر، (۱۳۵۲)، «تاریخ طبری»، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد اول، تهران: انتشارات، اساطیر.
- ۶- فاطمی، ساسان، (۱۳۸۱)، «موسیقی و زندگی موسیقایی مازندران مسأله تغییرات»، چاپ اول، تهران: انتشارات، موسسه فرهنگی هنری ماهور.
- ۷- کبیری، غلام‌رضا، (۱۳۸۰)، «زمزمه‌هایی از شهر بی خزان من»، چاپ اول، ساری: ناشر، مولف.
- ۸- مرزبند، عباس، (۱۳۸۹)، «گذری بر موسیقی مازندران و ویژگی اشعارش»، فصلنامه فرهنگ، دانشگاه جامع علمی کاربردی مرکز فرهنگ و هنر شماره ۵ مازندران، شماره ۲، آمل: انتشارات، شمال پایدار.
- ۹- معصومی، مسعود، (۱۳۸۷)، «سابقه برنامه‌ریزی توسعه گردشگری در ایران»، چاپ اول، تهران: انتشارات، سمیرا.
- ۱۰- ملکی، ا... (۴۱ - ۱۳۴۰)، «سرودهای ساسانی و ترانه‌های نوروزی»، مجله موسیقی، شماره‌های ۶۲ و ۶۳، تهران.
- ۱۱- موله، مازیان، (۱۳۷۷)، «ایران باستان»، ترجمه ژاله آموزگار، چاپ پنجم، تهران: انتشارات، توس.
- ۱۲- نجف‌زاده بارفروش، محمدباقر (م - روجا)، (۱۳۷۵)، «نغمه‌های مازندرانی»، چاپ اول، تهران: انتشارات، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۳- نصری اشرفی، جهانگیر، (۱۳۸۵)، «خنیگران نوروزی» چاپ اول، ساری: انتشارات، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان مازندران.
- ۱۴- یزدان پناه لموکی، طیار، (۱۳۸۲)، «تاریخ مازندران باستان» چاپ چهارم، تهران: انتشارات، چشمه.
- ۱۵- یوسفی زیرابی، فریده، (۱۳۹۰)، «آیین‌های باستانی مازندران»، چاپ اول، ساری: انتشارات، شلفین.